

تأثیر حاکمیت شرکتی بر میزان مدیریت سود در بازار بورس اوراق بهادار تهران

حسن قدرتی^۱

سعید فیضی^۲

چکیده:

حاکمیت شرکتی مقوله ای است که در دهه های اخیر بدلیل افزایش رسوایی های مالی، مورد توجه ویژه پژوهشگران حوزه حسابداری قرار گرفته است. تعیین اهداف سالم و روشهای مناسب رسیدن به این اهداف و در نهایت حفظ حقوق تمامی ذی نفعان (بویژه سهامداران خرد) هدف نهایی حاکمیت شرکتی می باشد.

در پژوهش حاضر، هدف اصلی، بررسی تاثیر حاکمیت شرکتی بر میزان مدیریت سود می باشد. لذا ۴ فرضیه طراحی و در بازه زمانی ۶ ساله (۱۳۹۰-۱۳۸۵) در میان ۷۳ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تحت بررسی قرار گرفته است. برای آزمون فرضیه اول و دوم از روش ضریب همبستگی اسپیرمن و برای فرضیه سوم و چهارم از آزمون مقایسه میانگین دوجامعه استفاده شده است.

نتایج نهایی آزمون های فوق حاکی از عدم تاثیرگذاری ۴ فرضیه تحقیق (نسبت سرمایه گذاران نهادی، نسبت مدیران غیر موظف در ترکیب هیئت مدیره، وجود مدیر عامل شرکت به عنوان رئیس یا نایب رئیس هیئت مدیره و وجود حسابرسی داخلی) بر میزان مدیریت سود می باشد.

واژگان کلیدی:

حاکمیت شرکتی، مدیریت سود، سرمایه گذار نهادی و مدیران غیرموظف.

^۱ عضو هیئت علمی دانشکده حسابداری و مدیریت دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشان

^۲ کارشناس ارشد حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشان Saeidfm2005@yahoo.com

(۱) مقدمه

شرکت های بزرگ به عنوان پایه های اصلی اقتصاد ، حجم عظیمی از منابع اقتصادی (نظیر نیروی انسانی، مواد اولیه، نیروی مدیریتی، سرمایه و...) را به مصرف می رسانند و در مقابل نقش بسیار مهمی نیز در توسعه و پیشرفت اقتصادی کشورها دارند. ویژگی جدایی مدیریت از مالکیت به عنوان یکی از ویژگی های بارز شرکتهای سهامی ، به سبب قدرت انحصاری بخشیدن به مدیر در تهیه و ارائه گزارشات حسابداری (به عنوان یکی از مهمترین خروجی های عملکرد واحد اقتصادی) بحث تضاد منافع بین زی نفعان مختلف واحد اقتصادی را مطرح نموده و لزوم توجه به نظارت و کنترل مدیران توسط تمامی سهامداران را عمق بخشیده است . زیرا طبق همین ویژگی است که مدیران امکان دسترسی بی قید و شرط به بخش مهمی از اطلاعات مالی سازمان را به دست می آورند. این ویژگی زمانیکه درکنار ویژگی حسابداری تعهدی به خاطر وجود معوقات (مابه التفاوت سود نقدی و سود تعهدی) قرار می گیرد و انگیزه هایی همچون پاداش ، مقررات گریزی ، افزایش روز افزون رقابتهای و... پیش می آید ، محرکی قوی برای مدیران می شود تا در جهت منافع خویش و حتی در تضاد با منافع سایرگروه ها اطلاعات موجود را دستکاری نمایند. یا به عبارت کاملتر دست به مدیریت سود بزنند .

بیشتر محققین این حوزه دریافته اند که مدیریت سود غالباً با انگیزه گمراه کردن استفاده کنندگان از صورتهای مالی و یا انحراف از نتایج قراردادی که بستگی به سودهای حسابداری دارد، انجام می شود(حساس یگانه و دیگران،۱۳۹۱)[۳] . به طوریکه مدیر با این عمل قصد دارد فرآیند سودآوری شرکت را هموار نشان دهد ، تا واحد اقتصادی تحت مدیریت او با جذابیتی خاص به عنوان یکی از گزینه های اولیه برای سرمایه گذاری مطرح باشد .

از اینرو وجود مکانیزمی منسجم برای جلوگیری از این پدیده شوم و همسو کردن منافع طیف های مختلف زی نفعان و همچنین سمت و سو بخشیدن به اهداف سازمان توسط تمامی زی نفعان ، مقوله ی "حاکمیت شرکتی" مطرح شده است.که می توان آنرا مجموعه قوانین، فرآیندها، فرهنگ ها و روابطی دانست که بین سهامداران، مدیران و حسابرسان شرکت باید وجود داشته باشد تا متضمن رعایت همه جانبه ی حقوق سهامداران جزء ، بازدارنده از سوءاستفاده های احتمالی و موجب دستیابی به اهداف پاسخگویی ، شفافیت ، عدالت و رعایت حقوق ذینفعان گردد. بعلاوه می توان گفت شرکتهایی که نظام حاکمیت شرکتی بهتری دارند، کمتر با مشکلات تضاد منافع و عواقب ناشی از آن روبرو می شوند. از این رو انجام تحقیق در این حوزه و بررسی تاثیر مکانیزمهای مختلف حاکمیت شرکتی بر ابعاد مختلف عملکردی شرکتها ، می تواند در بالا بردن درک سهامداران از این مقوله خطیر موثر واقع گشته و سمت و سوی تازه ای به دیدگاه های سهامداران (که این دیدگاه ها خود بر معیارهای تعیین مدیران و نحوه نظارت بر عملکرد آنها تاثیرگذار خواهد بود) ببخشد . لذا محقق در این پژوهش چهار ابزار مهم حاکمیت شرکتی را مورد کالبد شکافی قرار داده که در بخش های مربوطه ارائه و تشریح شده است.

۲) بیان مسئله تحقیق

مشکلی که امروزه علیرغم افزایش سطح آگاهی ها و دانش عمومی استفاده کنندگان از صورتهای مالی دیده می شود، اتکای شدید بر اعداد گزارشات حسابداری (به ویژه سود حسابداری به عنوان یکی از معیارهای اصلی ارزیابی عملکرد) جهت تصمیم گیری در خصوص سرمایه گذاری می باشد. این اتکای غیرمنطقی انگیزه های فراوانی برای مدیران ایجاد می کند تا این اعداد را به نفع خودشان دستکاری (مدیریت) نمایند. یا به عبارت کاملتر دست به مدیریت سود بزنند. اصولاً مدیریت سود بدلیل اینکه تصویر نادرستی از نتایج عملکردی شرکت ارائه می دهد، موجب قضاوت نادرست سهامداران و سرمایه گذاران در خصوص عملکرد واحدهای اقتصادی و مدیران آنها شده و نه تنها منجر به تضییع اصل و سود سرمایه آنها می شود، بلکه نوعی بدبینی در میان سهامداران به وجود آورده و رقابت سالم بین واحدهای اقتصادی کشور را از بین می برد. از طرفی نیز موجب می شود که این سرمایه گذاران متضرر، سرمایه های خود را از بخش زیربنایی اقتصاد (بورس) به سمت بخشهای غیر مولد و کاذب (از جمله دلالی و...) هدایت نمایند. که عملاً با این کار، متن اقتصاد کشور فاسد گشته و در نهایت عموم مردم جامعه از این فرآیند متضرر می شوند.

ریشه وجودی مدیریت سود تفکیک مالکیت از مدیریت است. این تفکیک احتمال رفتارهای فرصت طلبانه ی مدیران را افزایش می دهد و مدیریت سود نمونه ای از این رفتارها می باشد. مدیریت سود، فرآیند انجام اقدامات عمومی در محدوده اصول عمومی پذیرفته شده حسابداری است که سبب رسیدن به سطح سود مورد نظر می شود (آلجیفری^۱، ۲۰۰۷). مدیریت سود بر خلاف تقلب، مستلزم انتخاب رویه های حسابداری و برآوردهایی است که مطابق اصول پذیرفته شده حسابداری هستند، می باشد.

لذا می توان نتیجه گفت که مدیریت سود، مداخله مغرضانه در فرآیند گزارشگری مالی برون سازمانی است که با هدف کسب سود غیر عادی برای سهامداران یا مدیران صورت می گیرد (بهارلوئی مهدی، ۱۳۸۶). این سودها برای مدیران می توانند به شکل افزایش پاداش یا کاهش احتمال اخراج آن ها در زمان عملکرد ضعیف، باشند. (نورانی حسین، ۱۳۸۲).

با قبول ضرورت مقابله با پدیده شوم مدیریت سود (که گاه ابعاد آن در لایه های زیرین استانداردهای حسابداری چنان پنهان می شود که حتی اگر چشمان تیزبین حسابرسان نیز آنها را شکار کنند، به دلیل زیرپرچم استانداردهای حسابداری عمل کردن، نمی توانند با آنها مخالفت کنند) و همسو کردن منافع طیف های مختلف زی نفعان و همچنین سمت و سو بخشیدن به اهداف سازمان توسط تمامی زی نفعان سازمان، مقوله ی "حاکمیت شرکتی" مطرح شده است. که در واقع می توان آنرا واکنشی به مسئله نمایندگی که از جدایی مدیریت از مالکیت ناشی شده، قلمداد کرد. چراکه عملاً حاکمیت شرکتی به بررسی لزوم نظارت دقیق بر مدیریت، حسابرسی منظم شرکت و تفکیک واحد اقتصادی از مالکیت آن و در نهایت حفظ حقوق تمامی سرمایه گذاران و ذی نفعان می پردازد. به بیانی دیگر می توان حیات بلند مدت سازمان را سیبل مقابل حاکمیت شرکتی دانست. زیرا

این حاکمیت شرکتی است که تعیین می کند شرکت چگونه و توسط چه کسانی اداره شده و روند مناسب پاسخگویی و انتشار مناسب اطلاعات شرکت به دینفعان چگونه باید باشد. لذا می توان گفت شرکتهایی که نظام حاکمیت شرکتی بهتری دارند، کمتر با مشکلات تضاد منافع و عواقب ناشی از آن روبرو می شوند.

۳) مبانی نظری تحقیق

الف) تبیین مدیریت سود: از آنجایی که سودحسابداری یکی از مهمترین مبنای تصمیم گیری سرمایه گذاران می باشد، لذا مدیران عمدتاً سود و نرخ رشد سود شرکت تحت مدیریت خود را به گونه ای دستکاری می نمایند که یکنواخت به نظر بیاید. تعاریف مربوط به هموارسازی سود با تنوع و تفاوتهایی همراه است، لیکن تعریف ذیل می تواند مشترکات تعاریف مختلف را در خود داشته باشد: "هموارسازی سود عبارت است از رفتار آگاهانه ای که به منظور کاهش نوسانات دوره ای سود شکل می گیرد (بدری ۱۳۷۸). طبیعتاً این رفتار آگاهانه با نوعی قضاوت و اعمال نظر همراه است که می تواند ارزیابی هموارسازی سود را به شکل ذهنی و فاقد معیاری مشخص درآورد".

ابزارهای مدیریت سود را می توان به پنج گروه اصلی زیر تقسیم کرد (جوادیان حمیدرضا، ۱۳۸۷):

۱- نحوه برخورد مدیریت با شیوه حسابداری معاملات: اقداماتی نظیر زمان بندی ثبت فروش، کاهش ارزش موجودی ها و تجهیزات، تعمیر و پیاده کردن تجهیزات و... که به اختیار مدیریت انجام می شود و بکارگیری آنها آسانتر، ارزانتر و کشف آن توسط حسابرس سخت تر است.

۲- انتخاب و تغییر اصول حسابداری: تغییر در اصول و رویه های حسابداری ابزارچندان انعطاف پذیری برای مدیریت سود به حساب نیامده و نمی توان از آنها به طور مکرر استفاده نمود. از طرفی بکارگیری این روشها نسبتاً گران بوده و کشف آن توسط حسابرس آسان تر می باش، لیکن به عنوان یکی از روشها همواره مطرح می باشد.

۳- مدیریت اقلام تعهدی: برآورد هایی همچون عمر مفید دارایی، قابلیت وصول مطالبات و سایر اقلام تعهدی پایان سال که سود گزارش شده را تعدیل می کنند.

۴- قیمت های انتقالی: با توجه به نرخ های تصاعدی مالیات، شرکت ها سعی می کنند نه تنها سود خود را از حوزه هایی که مشمول نرخ بالای مالیاتی هستند به حوزه هایی که نرخ پایین تری دارند منتقل کنند، بلکه تلاش می کنند تا در هر حوزه مالیاتی نیز سود را یکنواخت نمایند. قیمت های انتقالی برای مبادله کالاها و خدمات بین شرکتهای فرعی ابزاری برای این منظور خواهد بود، لیکن این روش دارای کاربرد چندانی در ایران نمی باشد.

۵- تصمیمات اقتصادی واقعی: تصمیماتی که محتوای اقتصادی دارند همچون تبلیغات، پرداختهای نقدی برای طرح های بازنشستگی، پاداش مدیران، تحقیق و توسعه، فروش اموال و سرمایه گذاری ها و... ممکن است با در نظر گرفتن اثراتی که در کوتاه مدت بر سود دارند اتخاذ شوند.

ب) تبیین حاکمیت شرکتی : اصطلاح "Governance" از ریشه واژه "Gubernare" (به معنای هدایت کردن) برگرفته شده و واژه "Corporate Governance" در فارسی معادل‌هایی نظیر حاکمیت شرکتی، حاکمیت سهامی، اداره سازمانی و راهبردی شرکتی دارد.

بررسی علل و شرایط ایجاد رسوایی های مالی دهه های اخیر بیانگر این واقعیت است که در موارد فقدان نظارت بر مدیریت، حاکمیت ناقص سهام داران شرکت ها بر نحوه اداره امور و سپردن اختیارات نامحدود به مدیران اجرایی، زمینه را برای سوء استفاده آنان فراهم نموده است. جلوگیری از بروز چنین شرایطی مستلزم اعمال حاکمیت صحیح سهام داران از طریق نظارت دقیق بر مدیریت اجرایی و حسابداری منظم شرکت هاست که در مجموع تحت عنوان فرآیند حاکمیت شرکتی شناخته می شود (باباجانی و عبدی، ۱۳۸۹). همچنین سالمون و همکارانش در سال ۲۰۰۰ تحقیقات گسترده ای انجام دادند در این تحقیق که از سرمایه گذاران بزرگ نهادی انگلستان انجام شد، میزان اجماع پاسخ دهندگان در مورد برداشت آنها از مفهوم حاکمیت شرکتی مورد بررسی قرار گرفت. جدول زیر نتایج این پژوهش را نشان می دهد.

ردیف	تعریف حاکمیت شرکتی	سطح اجماع
۱	{ پارکینسون، ۱۹۹۴ } : حاکمیت شرکتی عبارت است از فرایند نظارت و کنترل برای تضمین عملکرد مدیر شرکت مطابق با منافع سهامداران.	کاملاً موافق
۲	{ تری کر، ۱۹۸۴ } : نقش حاکمیتی منجر به فعالیتهای تجاری شرکت نیست، بلکه با هدایت کل واحد تجاری، نظارت و کنترل اقدامات اجرایی و پاسخگویی آنها به تمام ذی نفعان سروکار دارد.	خیلی موافق
۳	{ کانون، ۱۹۹۴ } : حاکمیت یک واحد تجاری عبارت است از مجموع فعالیتهایی که موجب شود تا مقررات داخلی واحد تجاری منطبق باشد با تعهدات شرکت از جمله امانت داری و مدیریت بهینه دارایی ها.	موافق
۴	{ کتابچه حاکمیت شرکتی، ۱۹۹۶ } : رابطه بین سهامداران و شرکتستان و روشی که سهامداران به کمک آن مدیران را به بهترین عملکرد تشویق می کنند.	تا حدودی موافق
۵	{ کیزی و رایت، ۱۹۹۳ } : ساختارها، فرآیندها و سیستم هایی که موجب توفیق عملیات شرکت می گردد.	تا حدودی موافق
۶	{ گزارش کدبری، ۱۹۹۲ } : سیستمی که شرکتها بر حسب آن کنترل و هدایت می شوند.	کمی موافق

Solomon J. and Solomon A. (2004)., "Corporate Governance and Accountability", John Wiley & sons, Ltd. England

قدمت حاکمیت شرکتی :

درخارج از ایران : موضوع حاکمیت شرکتی به شکل کنونی از اوایل دهه ی ۱۹۹۰ در انگلستان، امریکا و کانادا در پاسخ به مشکلات مربوط به اثربخشی هیئت مدیره شرکتهای بزرگ مطرح گردید. مبانی و مفاهیم حاکمیت شرکتی با تهیه گزارش کد بری (Cadbury) در انگلستان، مقررات هیئت مدیره در شرکت جنرال موتورز امریکا و گزارش دی (Dey) در کانادا شکل گرفته و بعدها با گسترش سرمایه‌گذاریهای بین‌المللی، نهادهای مختلفی همچون بانک جهانی، سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) و... در این زمینه فعال شده و اصول متعدد و متنوعی را منتشر کردند. در سال‌های اخیر، پیشرفتهای عمده‌ای در خصوص حاکمیت شرکتی در سطح جهان صورت گرفته و سازمان‌های بین‌المللی استاندارد‌های قابل قبول بین‌المللی در این مورد ارائه نموده‌اند.

در ایران : در ایران نیز هرچند از اوایل دهه ۱۳۴۰ بورس اوراق بهادار تاسیس شد و در قانون تجارت (بویژه در لایحه اصلاحی اسفندماه ۱۳۴۷) در موارد مرتبط با نحوه تاسیس و اداره شرکتهای تا حدودی مواردی بیان شده بود، لیکن حاکمیت شرکتی با مفهوم کنونی آن در اوایل دهه ۸۰ و در مصاحبه‌های مسئولان وقت بورس اوراق بهادار و در مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی مطرح و بررسی شده و در وزارت امور اقتصادی و دارایی، کمیته‌ای جهت پرداختن به موضوع حاکمیت شرکتی تشکیل شد. همچنین موضوع حاکمیت شرکتی نخستین بار در کنفرانس ملی "بازار سرمایه، موتور محرک توسعه اقتصادی ایران" (که توسط دانشگاه علامه طباطبایی در ۸ و ۷ آذرماه ۱۳۸۳ در مرکز همایشهای رازی برگزار شد) مطرح گردید. پس از آن در مقطع دکتری حسابداری در درس توسعه عقاید و افکار حسابداری و حسابداری تدریس شده و نتایجاً در اواخر سال ۱۳۸۳ مرکز تحقیقات و توسعه بازار سرمایه سازمان بورس اوراق بهادار دست به انتشار ویرایش اول آیین‌نامه حاکمیت شرکتی زد. این آیین‌نامه با توجه به ساختار مالکیت و وضعیت بازار سرمایه و با نگرش به قانون تجارت حاضر تنظیم شده و با سیستم درون‌سازمانی (رابطه‌ای) حاکمیت شرکتی سازگار است.

طبقه بندی سیستمهای حاکمیت شرکتی: بررسیها حاکی از آن است که هر کشوری سیستم حاکمیت شرکتی منحصر به خود را (متاثر از عوامل متعدد داخلی از قبیل ساختار مالکیت شرکتهای، وضعیت اقتصادی، سیستم قانونی، سیاستهای دولتی، فرهنگ و عوامل خارجی از قبیل میزان جریان سرمایه از خارج به داخل، وضعیت اقتصاد جهانی، و سرمایه‌گذاری نهادی فرامرزی و ...) دارا می‌باشد. یکی از بهترین طبقه‌بندیهای انجام شده در این زمینه، طبقه بندی معروف به سیستمهای درون‌سازمانی و برون‌سازمانی به شرح ذیل می‌باشد :

حاکمیت شرکتی درون‌سازمانی (رابطه‌ای): سیستمی است که در آن شرکتهای یک کشور تحت مالکیت و کنترل تعداد کمی از سهامداران اصلی قرار دارد. این سهامداران ممکن است اعضای خانواده موسس (بنیانگذار) یا گروه کوچکی از سهامداران (مانند بانکهای اعتباردهنده، شرکتهای دیگر یا

دولت) باشند. هرچند در این مدل به واسطه روابط نزدیک میان مالکان و مدیران، مشکل نمایندگی کمتری وجود دارد، لیکن مشکلات جدی دیگری پیش می‌آید. بدین صورت که به واسطه سطح تفکیک ناچیز مالکیت و کنترل (مدیریت)، سوءاستفاده از قدرت افزایش و میزان شفافیت معاملات کاهش می‌یابد.

حاکمیت سازمانی برون سازمانی (محیطی): در این سیستم، شرکتهای بزرگ توسط مدیران کنترل شده و تحت مالکیت سهامداران برون سازمانی یا سهامداران خصوصی قرار دارند. این وضعیت منجر به جدایی مالکیت از کنترل (مدیریت) شده و مطابق نظریه نمایندگی، هزینه‌های سنگینی به سهامدار و مدیر تحمیل می‌گردد.

ویژگی های ۲ سیستم درون سازمانی (Insider) و برون سازمانی (Outsider)	
برون سازمانی (Outsider)	درون سازمانی (Insider)
شرکتهای بزرگ تحت کنترل مدیران بوده، اما مالکیت سهام آن با سهامداران Outsider است.	مدیریت شرکت عمدتاً در اختیار سهامداران Insider بوده و آنها کنترل مدیریت را برعهده دارند.
مرز مالکیت و مدیریت روشن است و مسئله نمایندگی اهمیت می‌یابد.	مرز روشنی بین مالکیت و کنترل مشاهده نمی‌شود، و مسئله نمایندگی قابل ملاحظه ای وجود ندارد.
تملک های اجباری (Hostile) به عنوان مکانیزم موثر بر مدیریت شرکت وجود دارد. مالکیت گسترده است.	تملک اجبرای (Hostile) ندرتاً وجود دارد.
کنترل سهامداران محدود است.	تمرکز مالکیت در گروه های کوچک سهامداران (خانواده های موسس، دولت و شرکتهایی که ساختار هرمی دارند).
انتقال ثروت از سهامداران اقلیت به سهامداران اکثریت واقع نمی‌شود.	کنترل زیاد از جانب گروه کوچکی از سهامداران Insider اعمال می‌شود.
در قانون شرکتهای (تجارت) حمایت زیادی از سرمایه گذاران می‌شود.	انتقال ثروت از سهامداران اقلیت به سهامداران اکثریت واقع می‌شود.
دموکراسی سهامداران حاکم است.	در قانون شرکتهای (تجارت) حمایت کمی از سرمایه گذاران می‌شود.
از طریق سهامداری نمی‌توان اعمال نفوذ در شرکتهای سرمایه پذیر کرد.	احتمال سوء استفاده از قدرت توسط اکثریت وجود دارد.
	سهامداران عمده می‌خواهند نفوذ بیشتری در شرکتهای سرمایه پذیر داشته باشند.

با عنایت به ویژگیهای سیستمهای حاکمیت شرکتی به نظر می‌رسد حاکمیت شرکتی در ایران بیشتر به سیستم درون‌سازمانی نزدیکتر بوده و موضوعیت داشته باشد.

۴) پیشینه پژوهش

کی^۱ (۲۰۰۷) از آنجایی که سود حسابداری یکی از مهمترین مبنای تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران می‌باشد، لذا مدیران عمدتاً سود و نرخ رشد سود شرکت تحت مدیریت خود را به گونه‌ای دستکاری می‌نمایند که یکنواخت به نظر بیاید. از اینرو می‌توان مدیریت سود را تلاش مدیر برای کاهش نوسانات غیرعادی سود، تا آن اندازه که اصول مستدل و منطقی حسابداری و مدیریت اجازه داده باشند، تعریف کرد. [۹]

تسای و گو^۲ (۲۰۰۷) در پژوهشی با عنوان "ارتباط بین مالکیت نهادی و عملکرد شرکتهای در صنعت کازینو" در یافتند که سرمایه‌گذاری نهادی در شرکتهای کازینو ممکن است به سرمایه‌گذاران این صنعت کمک کند تا مسائل نمایندگی حاصله از تفکیک مدیریت و مالکیت را کاهش دهند. [۱۶]

فرنانز^۳ (۲۰۰۷) در پژوهشی با عنوان "بررسی ارتباط بین حاکمیت شرکتی و پرداختی به مدیران اجرایی رده بالا در بورس اوراق بهادار پرتغال" به این نتیجه رسید که اعضای غیراجرایی هیئت مدیره نقش نظارتی قوی ندارند. همچنین شرکتهای با اعضای غیراجرایی صفر، تنظیم و بالانش بهتری بین منافع سهامداران و مدیران داشته و در این شرکتهای مشکلات نمایندگی کمتری وجود دارد. [۱۳]

عبداله^۴ (۲۰۰۶) در پژوهشی با بررسی رابطه بین حاکمیت شرکتی و پاداش و حق الزحمه هیئت مدیره در شرکتهای ورشکسته مالزی به نتیجه رسید که سود آوری با پاداش هیئت مدیره رابطه‌ای ندارد، استقلال هیئت مدیره و گسترش منافع غیر اجرایی یک رابطه منفی با سطح پاداش هیئت مدیره دارد، رشد و اندازه شرکت به طور مثبت در سطح پاداش مدیران تاثیر گذار است. [۱۰]

ایلیرز^۴ و همکارانش (۲۰۰۸) به این نتیجه رسیدند که هیئت مدیره یک دست‌تر (یکنواخت) و مستقل با درصد بیشتری از اعضای غیرموظف و همچنین در اختیار قرار دادن بخش بزرگی از سهام شرکت در اختیار مدیران داخلی بیشترین تاثیر را در جلوگیری از ورشکستگی دارد. [۱۲]

چانگ^۵ (۲۰۰۹) در پژوهشی با عنوان "رابطه بین حاکمیت شرکتی در شرکتهای درمانده مالی در کشور تایوان" به این نتیجه رسید که شرکتهای دارای درصد پایین اعضای غیرموظف هیئت مدیره، کمتر دچار بحران و درماندگی مالی می‌شوند و رابطه مثبتی بین اندازه هیئت مدیره و درماندگی مالی وجود دارد. [۱۱]

رحمان محود و رحمان رمیز^۶ (۲۰۱۰) با بررسی بانکداری در کشور پاکستان دریافتند که رابطه مثبت ضعیفی بین حاکمیت شرکتی و ساختار سرمایه و رابطه معکوسی بین ساختار سرمایه و تمرکز حاکمیت شرکتی وجود دارد.

لاجیلی و زغال (۲۰۱۰) دریافتند که شرکتهای دارای بحران و درماندگی مالی، علاوه بر دارا بودن شاخص های سلامت مالی و تجاری پایین تر، دارای چرخش هیئت مدیره بیشتر و همچنین دوره تصدی کمتر اعضای غیرموظف هیئت مدیره بوده اند. [۱۴]

حساس یگانه یحیی و یزدانیان نرگس (۱۳۸۷) نتیجه گرفتند، زمانی که درصدمالکیت سرمایه گذاران نهادی در شرکت ها بیش از ۴۵٪ باشد، مدیریت سود کاهش می یابد. همچنین بین وجود مدیران غیرموظف در ترکیب هیئت مدیره، عدم وجود مدیرعامل شرکت به عنوان رئیس یا نایب رئیس هیئت مدیره، وجود حسابرسان داخلی در شرکتهای در ایران و مدیریت سود رابطه معناداری وجود ندارد. [۴]

آقای محمدعلی و چالاک پری (۱۳۸۸) دریافتند که ویژگی های حاکمیت شرکتی در کاهش رفتارهای فرصت طلبانه (مدیریت سود) تأثیر گذار است. [۱]

باباجانی جعفر و عبدی مجید (۱۳۹۰) نتیجه گرفتند که عدم ارتباط معناداری بین میانگین نسبت اختلاف سود مشمول مالیت ابرازی و قطعی در گروه شرکتهایی که معیارهای حاکمیت شرکتی را دارا هستند، با گروه شرکتهایی که معیارهای حاکمیت شرکتی را دارا نیستند، وجود ندارد. همچنین در هر دو گروه شرکتهای، درصد اختلاف بین سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی معنادار بوده است. [۲]

رود پستی و دیگران (۱۳۹۱) نتیجه گرفتند که بین تمرکز مالکیت و نسبت اعضای غیرموظف هیئت مدیره با مدیریت سود رابطه منفی و بین سهامداران نهادی و مدیریت سود رابطه مثبت معنا دار وجود دارد. [۶]

داداشی نسرین و نورحسینی نیاک سیدحسین (۱۳۹۱) دریافتند که رابطه معنادار و مثبتی بین درصد مدیران غیرموظف در هیئت مدیره و ارتباط معنادار و معکوسی بین حسابرس داخلی و درصد مالکیت سهامداران عادی با هموار سازی سود وجود دارد. همچنین با آزمون همبستگی مشخص شد که درصد اعضای غیرموظف بیشترین تأثیر را در هموارسازی سود دارد. [۵]

مرادزاده و دیگران (۱۳۹۱) نتیجه گرفتند که بین درصد مالکیت سرمایه گذاران نهادی و نسبت اعضای غیرموظف هیئت مدیره با محافظه کاری حسابداری رابطه مثبت، بین تفکیک وظایف رئیس هیئت مدیره از مدیرعامل با محافظه کاری رابطه منفی و بین وجود حسابرس داخلی و محافظه کاری حسابداری رابطه معناداری وجود ندارد. [۸]

سبزی علی پور و دیگران (۱۳۹۱) دریافتند که بین اعضای غیرموظف هیات مدیره رابطه مثبت و معناداری وجود داشته ولی بین سبزی ساز و کارهای حاکمیت شرکتی (نظیر مالکیت نهادی، دوگانگی وظیفه مدیرعامل و کیفیت حسابداری) و دقت پیش بینی سود رابطه معناداری وجود ندارد. [۷]

۵) سوال و فرضیه های تحقیق:

در راستای ادبیات تحقیق، سوال اصلی و سوالات فرعی به شرح ذیل مطرح می باشند:

سوال اصلی: حاکمیت شرکتی چه تأثیری بر مدیریت سود دارد؟

سوالات فرعی منتج شده از سوال اصلی:

- ۱- نسبت سرمایه گذاران نهادی چه تاثیری بر مدیریت سود دارد؟
- ۲- نسبت مدیران غیر موظف در ترکیب هیئت مدیره چه تاثیری بر مدیریت سود دارد؟
- ۳- وجود مدیر عامل شرکت به عنوان رئیس یا نایب رئیس هیات مدیره چه تاثیری بر مدیریت سود دارد؟
- ۴- وجود حسابداری داخلی در شرکت چه تاثیری بر مدیریت سود دارد؟

برای پاسخ به سوالات فوق، فرضیه‌های اصلی و فرعی ذیل تدوین گردیده است:

فرضیه اصلی:

حاکمیت شرکتی بر میزان مدیریت سود تاثیر دارد.

فرضیه‌های فرعی:

- ۱- نسبت سرمایه گذاران نهادی بر مدیریت سود تاثیر دارد.
- ۲- نسبت مدیران غیر موظف در ترکیب هیئت مدیره بر مدیریت سود تاثیر دارد.
- ۳- وجود مدیر عامل شرکت به عنوان رئیس یا نایب رئیس هیات مدیره بر مدیریت سود تاثیر دارد.
- ۴- وجود حسابداری داخلی در شرکت بر مدیریت سود تاثیر دارد.

۶) روش تحقیق:

تحقیق پیش رو

✓ از جهت هدف: به لحاظ اینکه هدف از انجام این تحقیق بکارگیری مدلها و نظریات موجود در راستای بررسی مسائل مبتلا به نهادهای دولتی و غیردولتی مرتبط با موضوع پژوهش می باشد، کاربردی محسوب می گردد.

✓ از جهت روش تحقیق: به جهت استفاده از داده های تاریخی عملکردی پس رویدادی و نیز و در زمره تحقیقات میدانی محسوب می گردد.

✓ از جهت روش استنتاج: به لحاظ استفاده از نمونه تصادفی در توصیف مشاهدات نمونه ای و استفاده از روش توصیفی در تعمیم یافته ها به جامعه آماری، از نوع استنتاج تحلیلی (یا استقرایی) محسوب می گردد.

✓ از جهت طرح تحقیق: در مراحل مختلف این تحقیق، برخی از متغیرها و تاثیرات آنها روی یکدیگر قابل کنترل نیست، در نتیجه این تحقیق از نوع تحقیقات نیمه تجربی یا شبه آزمایشی محسوب می گردد. همچنین در این تحقیق تجزیه و تحلیل داده ها هم به صورت تحلیل تجمعی (در قالب داده های تلفیقی) و هم به صورت تحلیل مقطعی داه ها (بررسی سال به سال) صورت گرفته است.

الف) جامعه و نمونه آماری :

قلمرو زمانی پژوهش حاضر در برگیرنده سالهای ۱۳۹۰-۱۳۸۵ و قلمرو مکانی آن شامل شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران که دارای ویژگی های زیر باشند ، می باشد:

- ۱) اطلاعات مالی شرکت در دوره مورد مطالعه در دسترس باشد.
- ۲) شرکت طی دوره مورد مطالعه زیانده نبوده و پایان سال مالی شرکت منتهی به پایان اسفند ماه باشد و در دوره مورد مطالعه تغییر سال مالی نداده باشد.
- ۳) جزء بانکها و موسسات مالی (شرکتهای سرمایه گذاری، واسطه گران مالی، شرکت های هلدینگ و لیزینگ ها) نباشد.
- ۴) شرکت تا پایان سال ۱۳۸۴ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده و طی سالهای ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ از بورس اوراق بهادار تهران خارج نشده باشد.

به این ترتیب تعداد شرکت هایی که ویژگی های فوق الذکر را داشتند به ۱۹۲ شرکت رسیده و بر مبنای نمونه تصادفی پابلوت به روش تصادفی ساده (۷۳) شرکت به عنوان نمونه انتخاب شده اند. لازم به ذکر است که برای آزمون (۲) فرضیه اول این پژوهش، جامعه آماری اصلی به (۲) گروه فرعی (با توجه به ویژگی های تعریف شده در فرضیه سوم و چهارم) تقسیم شده اند.

ب) روش های آماری :

برای تجزیه و تحلیل آماری داده ها و آزمون فرضیه های پژوهش حاضر از روش آماری ذیل استفاده شده است.

- ۱) **روشهای توصیفی:** در این بخش از شاخص های مرکزی میانگین، میانه و شاخص های پراکندگی انحراف معیار، چولگی و کشیدگی جهت توصیف متغیرها و نوع توزیع داده ها استفاده شده است.
- ۲) **سایر روش ها:** برای تحلیل پیش فرض ها از آزمون کلموگروف-اسمیرنف، آزمون ضریب همبستگی و برای تعیین ارتباط بین متغیرها از تحلیل رگرسیون خطی چند متغیره و آزمون مقایسه زوجی میانگین ها استفاده شده است.

ج) مدل تحقیق:

عمده پژوهشگران حوزه مدیریت سود، از اقلام تعهدی اختیاری به عنوان جایگزین و معیاری مناسب برای اندازه گیری مدیریت سود استفاده نموده اند. همچنین آنها مدل تعدیل شده جونز را قوی ترین و مناسب ترین مدل برای کشف مدیریت دانسته اند. در این تحقیق نیز سازگار با سایر پژوهش های این حوزه ، برای اندازه گیری مدیریت سود از مدل تعدیل شده جونز (ارائه شده توسط دچو، سلوان و سویینی، ۱۹۹۵) استفاده شده است.

در این رویکرد، عقیده‌ی حاکم آن است که اطلاعات موجود در وجوه نقد حاصل از عملیات، معیاری عینی‌تر برای ارزیابی عملکرد واقعی اقتصادی واحد تجاری است و از این رو کمتر می‌تواند مورد دستکاری مدیریت قرار گیرد:

$$1) TA_{it} = E_{it} - OCF_{it}$$

در رابطه فوق :

TA_{it} : جمع کل ارقام تعهدی شرکت i در سال t

E_{it} : سود خالص قبل از ارقام غیرمترقبه‌ی شرکت i در سال t

OCF_{it} : وجوه نقد حاصل از فعالیتهای عملیاتی شرکت i در سال t

پس از محاسبه‌ی کل ارقام تعهدی، پارامترهای α_1 و α_2 و α_3 که پارامترهای برآورد شده مختص شرکت می باشند از فرمول زیر استفاده می شود:

$$TA_{it} = \alpha_1 (1/A_{it} - 1) + \alpha_2 (\Delta REV_{i,t} / A_{it} - 1) + \alpha_3 (PPE_{it} / A_{it} - 1)$$

که در آن:

$TA_{i,t}$: جمع کل ارقام تعهدی شرکت i در سال t

$\Delta REV_{i,t}$: تغییر در خالص درآمد (فروش) شرکت i ، بین سال t و $t-1$

$PPE_{i,t}$: میزان اموال، ماشین آلات و تجهیزات (ناخالص) شرکت i در سال t

$A_{i,t-1}$: جمع کل دارایی‌های شرکت i در سال $t-1$

$\varepsilon_{i,t}$: اثرات نامشخص عوامل تصادفی

$\alpha_1, \alpha_2, \alpha_3$: پارامترهای برآورد شده‌ی شرکت i

در نهایت به منظور محاسبه ارقام تعهدی اختیاری ابتدا باید ارقام تعهدی غیر اختیاری از طریق فرمول زیر محاسبه شود:

$$NDA_{i,t} = \alpha_1 (1/A_{i,t-1}) + \alpha_2 [(\Delta REV_{i,t} - \Delta REC_{i,t}) / A_{i,t-1}] + \alpha_3 (PPE_{i,t} / A_{i,t-1})$$

در این رابطه:

$NDA_{i,t}$: ارقام تعهدی غیراختیاری شرکت i در سال t

$A_{i,t-1}$: جمع کل دارایی‌های شرکت i در سال $t-1$

$\Delta REV_{i,t}$: تغییر در خالص درآمد (فروش) شرکت i ، بین سال t و $t-1$

$\Delta REC_{i,t}$: تغییر در حساب‌ها و اسناد دریافتی شرکت i ، بین سال t و $t-1$

$PPE_{i,t}$: میزان اموال، ماشین آلات و تجهیزات (ناخالص) شرکت i در سال t

برای محاسبه پارامترهای α_1 و α_2 و α_3 به منظور تخمین ارقام تعهدی اختیاری، از نرم

افزار Excel و Spss استفاده شده است.

لازم به ذکر است که در مدل مذکور، برای استاندارد کردن و موزون شدن پارامترها به منظور کاهش نوسانات، از جمع کل دارایی‌های شرکت در ابتدای هر دوره استفاده شده است و در صورتی

که اقلام تعهدی غیراختیاری ($NDA_{i,t}$) از جمع کل اقلام تعهدی ($TA_{i,t}$) کسر گردد، اقلام تعهدی اختیاری ($DA_{i,t}$) حاصل می شود:

$$DA_t = TA_t - NDA_t$$

$TA_{i,t}$: جمع کل اقلام تعهدی

$DA_{i,t}$: اقلام تعهدی اختیاری

$NDA_{i,t}$: اقلام تعهدی غیر اختیاری

(۷) تحلیل داده های تحقیق (یافته های تحقیق):

آمار توصیفی:

آمار توصیفی متغیر مستقل و چهار متغیر وابسته پژوهش در جداول ذیل ارائه گردیده:

نگاره ۱: شاخص های توصیفی متغیر وابسته (مدیریت سود)					
شاخص آماری سال	تعداد کل	میانگین مدیریت سود	انحراف معیار	کمترین مقدار	بیشترین مقدار
۱۳۸۵	۷۳	۱۶۰۰۲۲/۸۹	۶۲۴۶۶۲/۰۶	۹۳	۵۲۱۳۴۲۹
۱۳۸۶	۷۳	۱۲۵۴۳۲/۵۰	۲۸۳۶۴۰/۸۳	۷۶۱	۱۶۶۷۲۷۹
۱۳۸۷	۷۳	۱۵۴۲۷۰/۰۵	۴۰۲۳۹۲/۲۵	۴۶۴	۲۸۴۸۱۵۰
۱۳۸۸	۷۳	۷۶۶۹۴/۲۴	۱۳۶۱۶۱/۸۶	۹۲	۸۳۹۱۰۹
۱۳۸۹	۷۳	۱۴۶۵۷۵/۱۵	۴۰۹۷۸۱/۱۰	۶۸۷۷/۶۷	۳۲۴۲۹۵/۶۷
۱۳۹۰	۷۳	۱۲۹۱۰۴/۹۲	۳۱۷۲۸۲/۹۹	۶۲۶۳	۲۴۴۵۰۸۹/۷۵
تجمیعی	۴۳۸	۱۳۲۰۱۶/۶۲	۳۳۲۴۰۴/۲۶	۶۴۷۶/۳۶	۲۵۷۸۰۶۶/۹

در نگاره (۱) میانگین میزان مدیریت سود و همچنین کمترین و بیشترین مدیریت سود انجام شده در شرکت های نمونه به تفکیک سال های تحت بررسی و نهایتاً بصورت تجمیعی ارائه شده است.

نگاره ۲: شاخص های توصیفی متغیرهای مستقل									
سال	تعداد شرکتها	متغیر مستقل اول			متغیر مستقل دوم			متغیر مستقل سوم	متغیر مستقل چهارم
		میانگین	min	max	تعداد کل مدیران	تعداد مدیران	نسبت مدیران		
۱۳۸۵	۷۳	72/96	۵٪	۹۸٪	۴۴۸	222	۴۹/۶٪	۳۷٪	
۱۳۸۶	۷۳	73/02	۵٪	۹۷٪	۴۲۲	196	۴۶/۹٪	۴۱٪	
۱۳۸۷	۷۳	73/13	۵٪	۹۷٪	۴۳۷	218	۴۹/۶٪	۴۱٪	
۱۳۸۸	۷۳	74/87	۵٪	۹۷٪	۴۳۴	215	۴۹/۶٪	۴۱٪	
۱۳۸۹	۷۳	74/56	۵٪	۹۶٪	۴۱۷	214	۵۱٪	۵۵٪	
۱۳۹۰	۷۳	76/15	۵٪	۹۷٪	۴۱۸	215	۵۱٪	۶۴٪	
تجمیعی	438	74/12	۵٪	۹۶٪	۲۵۷۶	1280	۴۹٪	۴۷٪	

مندرجات نگاره (۲) به ترتیب موارد ذیل می باشد:

متغیر مستقل اول: میانگین مندرج به مفهوم این است که به طور در سال ۱۳۸۵، ۷۲/۹۶ درصد از شرکتهای نمونه دارای سهامداران نهادی بوده که کمترین و بیشترین میزان مالکیت این سهامداران در سال فوق الذکر به ترتیب ۵ و ۹۸ درصد می باشد. متغیر مستقل دوم: تعداد کل مدیران و تعداد مدیران غیر موظف و نسبت مدیران غیرموظف به مدیران موظف (برای ۷۳ شرکت نمونه) ارائه گردیده. متغیر مستقل سوم: نسبت شرکتهایی که در آنها مدیرعامل در سمت رئیس یا نایب رئیس هیئت مدیره نیز فعالیت می نماید، ارائه گردیده.

متغیر مستقل چهارم: عدد مندرج به عنوان نسبت شرکتهای دارای حسابرسی داخلی بدین مفهوم است که به طور نمونه در سال ۱۳۸۵، ۳۷٪ از کل شرکتهای تحت بررسی (۷۳ شرکت) دارای حسابرسی داخلی بوده اند.

آزمون فرضیه های تحقیق:

الف) ارزیابی ارتباط خطی بین مدیریت سود و نسبت سرمایه گذاران نهادی:

نتایج انجام آزمون کولموگروف اسمیرنوف برای متغیر وابسته سود و متغیر مستقل سرمایه گذاران نهادی به عنوان پیش فرض رگرسیون در نگاره شماره (۳) ثبت شده است.

نگاره شماره ۳: نتیجه آزمون (K-S) برای متغیر مدیریت سود		
سال	سطح معناداری	نتیجه آزمون
۱۳۸۵	۰/۷۸۰	توزیع نرمال است
۱۳۸۶	۰/۸۱۲	توزیع نرمال است
۱۳۸۷	۰/۸۲۸	توزیع نرمال است
۱۳۸۸	۰/۷۶۶	توزیع نرمال است
۱۳۸۹	۰/۹۰۲	توزیع نرمال است
۱۳۹۰	۰/۸۲۴	توزیع نرمال است
تجمیعی	۰/۹۲۷	توزیع نرمال است

مطابق نگاره شماره (۳) با توجه به اینکه مقدار سطح معناداری آزمون (K-S) برای متغیر وابسته در هرسال از مقدار (۵) درصد بیشتر می باشد فرض نرمال بودن متغیر وابسته پذیرفته می شود. مشابهاً این آزمون برای سرمایه گذاران نهادی نیز انجام و نتایج در نگاره شماره (۴) می باشد:

نگاره شماره ۴: نتیجه آزمون (K-S) برای متغیر مستقل نسبت سرمایه گذاران نهادی		
سال	سطح معناداری	نتیجه آزمون
۱۳۸۵	۰/۰۴۹	توزیع نرمال نیست
۱۳۸۶	۰/۰۰۷	توزیع نرمال نیست
۱۳۸۷	۰/۰۱۰	توزیع نرمال نیست
۱۳۸۸	۰/۰۱۹	توزیع نرمال نیست
۱۳۸۹	۰/۰۴۹	توزیع نرمال نیست
۱۳۹۰	۰/۰۲۴	توزیع نرمال نیست
تجمیعی	۰/۰۳۳	توزیع نرمال نیست

مطابق نگاره شماره (۴) با توجه به اینکه مقدار سطح معناداری آزمون (K-S) برای متغیر مستقل سرمایه گذاران نهادی از مقدار ۵ درصد کمتر می باشد، فرض نرمال بودن این متغیر مستقل در تمام سال های مورد مطالعه رد می شود. با توجه به اینکه بر مبنای نتایج نگاره شماره (۴) نرمال بودن توزیع سرمایه گذاران نهادی رد شده است از ضریب همبستگی اسپیرمن جهت ارزیابی ارتباط بین متغیرها استفاده کرده ایم که نتایج در نگاره شماره (۵) خلاصه شده است:

نگاره شماره (۵) : ارزیابی ارتباط بین مدیریت سود و نسبت سرمایه گذاران نهادی						
سال	متغیرها		تعداد	ضریب همبستگی R	مقدار Sig	نتیجه آزمون
	وابسته	مستقل				
۱۳۸۵	مدیریت سود	سرمایه گذارنهادی	73	-0/049	۰/۶۸۱	رابطه معنادار نیست
۱۳۸۶	مدیریت سود	سرمایه گذارنهادی	۷۳	-0/163	۰/۱۶۸	رابطه معنادار نیست
۱۳۸۷	مدیریت سود	سرمایه گذارنهادی	۷۳	-0/203	۰/۰۷۹	رابطه معنادار نیست
۱۳۸۸	مدیریت سود	سرمایه گذارنهادی	۷۳	-0/16۱	۰/۱۱۲	رابطه معنادار نیست
۱۳۸۹	مدیریت سود	سرمایه گذارنهادی	۷۳	-0/205	۰/۰۷۱	رابطه معنادار نیست
۱۳۹۰	مدیریت سود	سرمایه گذارنهادی	۷۳	-0/209	۰/۰۶۸	رابطه معنادار نیست
تجمیعی	مدیریت سود	سرمایه گذارنهادی	۴۳۸	-0/189	۰/۱۱۰	رابطه معنادار نیست

بر مبنای نتایج نگاره شماره (۵) منفی بودن مقادیر ضریب همبستگی بین مدیریت سود و نسبت سرمایه گذار نهادی در تمامی سالها نشاندهنده رابطه غیرمستقیم بین دو متغیر بوده و چون مقادیر ضریب همبستگی کوچک می باشد، می توان گفت که رابطه بین آنها ضعیف است. از طرفی با توجه به مقادیر Sig ثبت شده در کلیه سالهای تحت بررسی که تماماً بیشتر از ۰/۰۵ است، رابطه بین متغیر وابسته و مستقل قابل تعمیم نمی باشد. بنابراین رابطه بین مدیریت سود و نسبت سهامداران نهادی معنادار نمی باشد. در ادامه از آزمون استقلال بین متغیرها استفاده کرده ایم که نتایج در نگاره شماره (۶) آورده شده است:

نگاره شماره (۶): نتایج آزمون استقلال مدیریت سود و نسبت سهام داران نهادی			
سال	آماره کای دو	Sig	نتیجه آزمون
۱۳۸۵	۲/۴۵۰	۰/۶۵۴	رابطه معنادار نیست
۱۳۸۶	۱/۷۷۴	۰/۷۷۷	رابطه معنادار نیست
۱۳۸۷	۶/۱۳۹	۰/۱۸۹	رابطه معنادار نیست
۱۳۸۸	۶/۸۵۶	۰/۱۴۴	رابطه معنادار نیست
۱۳۸۹	۵/۵۳۷	۰/۲۳۶	رابطه معنادار نیست
۱۳۹۰	۱/۹۴۲	۰/۷۴۶	رابطه معنادار نیست
تجمیعی	۵/۲۸۵	۰/۵۰۸	رابطه معنادار نیست

باعنایت به مقادیر sig در نگاره (۶) که همگی بزرگتر از ۰/۰۵ می باشند، لذا فرض رابطه بین متغیرها رد می شود.

(ب) ارزیابی ارتباط بین مدیریت سود و نسبت مدیران غیر موظف در ترکیب هیئت مدیره: به عنوان پیش فرض استفاده از رگرسیون خطی مرکب در ابتدا نرمال بودن توزیع متغیرها ارزیابی شده که نتایج درنگاره شماره (۷) آورده شده است:

نگاره (۷): نتایج آزمون (K-S) برای متغیر مستقل نسبت مدیران غیر موظف		
سال	سطح معناداری	نتیجه آزمون
۱۳۸۵	۰/۰۰۴	توزیع نرمال نیست
۱۳۸۶	۰/۰۴۹	توزیع نرمال نیست
۱۳۸۷	۰/۰۰۰	توزیع نرمال نیست
۱۳۸۸	۰/۰۰۱	توزیع نرمال نیست
۱۳۸۹	۰/۰۰۰	توزیع نرمال نیست
۱۳۹۰	۰/۰۱۱	توزیع نرمال نیست
تجمیعی	۰/۰۰۱	توزیع نرمال نیست

با توجه به سطح معنی دار در نگاره (۷) نرمال بودن توزیع متغیر رد شده و لذا برای بررسی رابطه بین متغیرها از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده کرده ایم و نتایج این ارزیابی در نگاره (۸) به شرح ذیل خلاصه شده است:

نگاره شماره (۸): نتایج ارزیابی ارتباط بین مدیریت سود و نسبت مدیران غیر موظف در ترکیب هیئت مدیره						
نتیجه آزمون	مقدار Sig	ضریب همبستگی	تعداد	متغیرها		سال
				مستقل	وابسته	
رابطه معنادار نیست	۰/۵۰۹	-0/137	۷۳	نسبت مدیران غیر موظف	مدیریت سود	۱۳۸۵
رابطه معنادار نیست	۰/۱۳۵	-0/177	۷۳	نسبت مدیران غیر موظف	مدیریت سود	۱۳۸۶
رابطه معنادار نیست	۰/۳۰۳	-0/122	۷۳	نسبت مدیران غیر موظف	مدیریت سود	۱۳۸۷
رابطه معنادار نیست	۰/۰۵۹	0/222	۷۳	نسبت مدیران غیر موظف	مدیریت سود	۱۳۸۸
رابطه معنادار نیست	۰/۷۰۶	0/045	۷۳	نسبت مدیران غیر موظف	مدیریت سود	۱۳۸۹
رابطه معنادار نیست	0/749	-0/038	۷۳	نسبت مدیران غیر موظف	مدیریت سود	۱۳۹۰
رابطه معنادار نیست	0/855	0/022	۴۳۸	نسبت مدیران غیر موظف	مدیریت سود	تجمیعی

بر مبنای نتایج مندرج در نگاره شماره (۸) با توجه به مقادیر ضریب همبستگی بین مدیریت سود و نسبت مدیران غیرموظف به کل اعضای هیئت مدیره که در سالهای ۱۳۸۸، ۱۳۸۹ و به صورت تجمیعی مثبت و در مابقی سالها منفی می باشد، رابطه بین متغیرها عمدتاً غیرمستقیم (بجز سالهای مذکور) می باشد. همچنین با عنایت به اینکه مقادیر ضریب همبستگی نیز در تمامی سالهای تحت بررسی بسیار کوچک می باشد، لذا می توان نتیجه گرفت که رابطه بین آنها ضعیف می باشد. از طرفی

با توجه به مقادیر Sig ثبت شده در سالهای تحت بررسی که تماماً بیشتر از ۰/۰۵ می باشد، رابطه بین متغیر وابسته و مستقل قابل تعمیم نمی باشد. بنابراین رابطه بین مدیریت سود و نسبت مدیران غیرموظف معنادار نمی باشد. در ادامه جهت ارزیابی فرض وجود رابطه بین متغیرها از آزمون استقلال استفاده کرده ایم که در نگاره شماره (۹) خلاصه شده است:

نگاره شماره (۹): نتایج آزمون استقلال مدیریت سود و ترکیب هیئت مدیره			
سال	آماره کای دو	Sig	نتیجه آزمون
۱۳۸۵	۳/۲۸۱	۰/۸۵۸	رابطه معنادار نیست
۱۳۸۶	۹/۸۵۶	۰/۱۳۱	رابطه معنادار نیست
۱۳۸۷	۱/۴۹۶	۰/۹۶۰	رابطه معنادار نیست
۱۳۸۸	۲/۶۸۹	۰/۷۴۵	رابطه معنادار نیست
۱۳۸۹	۵/۳۶۷	۰/۳۷۳	رابطه معنادار نیست
۱۳۹۰	۲/۲۰۱	۰/۶۹۶	رابطه معنادار نیست
تجمیعی	۱۳/۲۲۰	۰/۲۲۸	رابطه معنادار نیست

با توجه به نگاره شماره (۹) چون مقادیر sig بزرگتر از ۰/۰۵ هستند، لذا فرض رابطه بین مدیریت سود و ترکیب هیات مدیره رد می شود.

ج) ارزیابی ارتباط بین مدیریت سود و وجود مدیر عامل شرکت به عنوان رئیس یا

نایب رئیس هیئت مدیره :

به منظور بررسی تاثیر وجود مدیر عامل شرکت به عنوان رئیس یا نایب رئیس هیئت مدیره بر مدیریت سود، شرکت‌های نمونه به دو دسته تقسیم شده اند. دسته اول شرکت‌هایی که مدیر عامل شرکت به عنوان رئیس یا نایب رئیس هیات مدیره در شرکت مسئولیت ندارد. دسته دوم شرکت‌هایی که مدیر عامل شرکت به عنوان رئیس یا نایب رئیس هیات مدیره در شرکت حضور دارد. پس از آزمون پیش فرض‌ها این دو دسته شرکت مورد مقایسه زوجی قرار گرفته اند. با عنایت به اینکه فرض نرمال بودن مدیریت سود طبق نتایج نگاره شماره (۳) پذیرفته شده بود، از آزمون مقایسه زوجی میانگین‌ها استفاده کرده ایم که نتایج در نگاره شماره (۱۰) آورده شده است.

نگاره (۱۰): آزمون برابری میانگین های دو نمونه مستقل برای ارزیابی تاثیر وجود

مدیرعامل شرکت به عنوان رئیس یا نایب رئیس هیئت مدیره بر مدیریت سود.

سال	گروه	تعداد	میانگین	مقدار T	سطح معناداری Sig(2.tailed)	نتیجه آزمون
۱۳۸۵	گروه الف	۶۶	146983	0/545	0/587	اختلاف معنادار نیست
	گروه ب	۷	282967			
۱۳۸۶	گروه الف	۶۵	159882	0/656	0/514	اختلاف معنادار نیست
	گروه ب	۸	71569			
۱۳۸۷	گروه الف	۶۵	156939	0/160	0/873	اختلاف معنادار نیست
	گروه ب	۸	132583			
۱۳۸۸	گروه الف	۶۵	74076	0/466	0/643	اختلاف معنادار نیست
	گروه ب	۸	979664			
۱۳۸۹	گروه الف	۶۲	96935	2/538	0/013	اختلاف معنادار است
	گروه ب	۱۱	356973			
۱۳۹۰	گروه الف	۶۷	129696	0/067	0/949	اختلاف معنادار نیست
	گروه ب	۶	122499			
تجمیع	گروه الف	۳۹۰	129901	0/166	0/869	اختلاف معنادار نیست
	گروه ب	۴۸	151955			

با توجه به مقادیر Sig در نگاره شماره (۱۰) تاثیر موظف بودن اعضای هیئت مدیره بر مدیریت

سود به جز سال (۱۳۸۹) در سطح (۵) درصد رد می شود.

د) ارزیابی رابطه بین وجود حسابرسی داخلی و مدیریت سود:

به منظور ارزیابی تاثیر وجود حسابرسی مستقل در شرکت بر مدیریت سود از آزمون مقایسه زوجی استفاده کرده ایم. با عنایت به اینکه بر مبنای نتایج نگاره شماره (۳) پیش فرض نرمال بودن توزیع متغیر مدیریت سود برقرار می باشد از آزمون تی زوجی استفاده کرده ایم که نتایج در نگاره شماره (۱۱) آمده است. در این نگاره شرکت های نمونه تصادفی به دو دسته تقسیم شده اند. گروه الف شرکت هایی هستند که در آن ها حسابرسی مستقل وجود نداشته و گروه ب شرکت هایی هستند که از حسابرسی مستقل استفاده می کنند:

نگاره شماره (۱۱) : آزمون برابری میانگین ها برای ارزیابی تأثیر وجود حسابرسی مستقل بر میزان مدیریت سود						
سال	گروه	تعداد	میانگین	مقدار T	سطح معناداری Sig(2.tailed)	نتیجه آزمون
۱۳۸۵	گروه الف	۴۶	89666	1/261	0/211	اختلاف معنادار نیست
	گروه ب	۲۷	279890			
۱۳۸۶	گروه الف	۴۳	103943	0/773	0/442	اختلاف معنادار نیست
	گروه ب	۳۰	156232			
۱۳۸۷	گروه الف	۴۳	108277	1/172	0/245	اختلاف معنادار نیست
	گروه ب	۳۰	220192			
۱۳۸۸	گروه الف	۴۳	51414	1/935	0/057	اختلاف معنادار نیست
	گروه ب	۳۰	112928			
۱۳۸۹	گروه الف	۳۳	59861	1/662	0/101	اختلاف معنادار نیست
	گروه ب	۴۰	218113			
۱۳۹۰	گروه الف	۲۶	59678	1/40	0/166	اختلاف معنادار نیست
	گروه ب	۴۷	167510			
تجمیعی	گروه الف	۲۳۴	82598	1/331	0/188	اختلاف معنادار نیست
	گروه ب	۲۰۴	185670			

با عنایت به نگاره شماره (۱۱) و مقادیر به دست آمده Sig در این رابطه بین مدیریت سود و وجود حسابرسی مستقل در شرکت ها در سطح خطای (۵) درصد رد می شود .

۸) محدودیتهای تحقیق:

- محدودیتهای این پژوهش بدلیل کمرنگ بودن خلی در نتایج کلی آن وارد ننموده ، لیکن فرآیند کلی پژوهش را تحت الشعاع قرار داده . که شامل موارد ذیل می باشند:
- ۱- عدم وجود بانک اطلاعاتی جامع و در دسترس در خصوص اطلاعات شرکتهای پذیرفته شده در بورس، از جمله اطلاعات وجود یا عدم وجود حسابرسی داخلی و...
 - ۲- وجود برخی شرایط ناگوار احتمالی در برخی صنعتهای مورد بررسی (در حالت خرد و کلان) که همواره می توانند بر نتایج عملکردی واحدهای اقتصادی آن جامعه تأثیر گذار باشند ، در تحقیق حاضر در نظر گرفته نشده است. لذا در صورت تعمیم نتایج تحقیق به جامعه ، باید احتیاط نمود.
 - ۳- با توجه به محدود بودن جامعه آماری و سایر محدودیتهای نمونه گیری (که از ویژگی های ذاتی تمامی تحقیق های می باشد) ، تسری دادن نتایج به سایر شرکتهای بایستی با احتیاط صورت گیرد.

۹) نتیجه گیری:

نتایج آزمون (۴) فرضیه پژوهش به شرح ذیل می باشد:

فرضیه اول (تاثیر سرمایه گذاران نهادی بر مدیریت سود): برای نتیجه گیری در خصوص این فرضیه از آزمون معناداری ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شد. نتایج آزمون های آماری این فرضیه حاکی از این است که علامت R بدست آمده در تمامی سالهای تحت بررسی منفی (که نشاندهنده وجود رابطه معکوس بین متغیروابسته (مدیریت سود) و متغیر مستقل (نسبت سرمایه گذاری نهادی) می باشد) و بسیار کوچک (که نشاندهنده ضعیف بودن رابطه بین متغیروابسته و مستقل می باشد) است. همچنین با توجه به اینکه مقدار Sig ثبت شده در تمامی سالها بیشتر از ۰/۰۵ می باشد، رابطه بین متغیر وابسته و مستقل قابل تعمیم به جامعه نمی باشد. لذا متغیر مستقل این فرضیه (سرمایه گذار نهادی) تاثیری بر متغیر وابسته تحقیق (مدیریت سود) نداشته و در نهایت فرضیه اول رد می شود. چرایی نتیجه این فرضیه به شرح ذیل قابل تفسیر است:

ادبیات تحقیق و نتایج عمده تحقیقات صورت گرفته در این زمینه، حاکی از آن است که زمانی که درصد مالکیت سرمایه گذاران نهادی بالا باشد (به طور عمده بیش از ۴۵٪، به معنای تمرکز مالکیت بالا) مالکیت آنها بر روی تصمیمات مدیریتی بویژه مدیریت سود تاثیر گذار خواهد بود. عبارتی در نسبت های مالکیت پایین (یا زمانی که ترکیب سرمایه گذاران به گونه ای باشد که همانند سهامداران خرد جلوه نمایند)، سرمایه گذاران نهادی نمی توانند عملاً بر روی تصمیمات مدیریتی اعمال نفوذ موثری نمایند.

فرضیه دوم (تاثیر مدیران موظف در ترکیب هیئت مدیره بر مدیریت سود): برای

آزمون این فرضیه نیز از روش ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شد. نتایج حاصله این فرضیه حاکی از این است که علامت R بدست آمده بجز در سالهای ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ و به صورت تجمعی (که مثبت می باشد) در مابقی سالهای تحت بررسی منفی (که نشاندهنده وجود رابطه معکوس بین متغیروابسته (مدیریت سود) و متغیر مستقل (نسبت مدیران غیر موظف) می باشد) و بسیار کوچک (که نشاندهنده ضعیف بودن رابطه بین متغیروابسته و مستقل می باشد) است. همچنین با توجه به اینکه مقدار Sig ثبت شده در تمامی سالها بیشتر از ۰/۰۵ می باشد، رابطه بین متغیر وابسته و مستقل قابل تعمیم به جامعه نمی باشد. لذا متغیر مستقل این فرضیه (نسبت مدیران غیرموظف) تاثیری بر متغیر وابسته تحقیق (مدیریت سود) نداشته و در نهایت فرضیه دوم رد می شود.

در تفسیر نتیجه این فرضیه که همسو با نتایج تحقیق مشابه صورت گرفته توسط حساس یگانه و یزدانیان بوده، لیکن برخلاف ادبیات تحقیق می باشد، باید به این نکته توجه داشت که آیا در کشور ما مدیران غیر موظف به ایفای نقش نظارتی خود می پردازند یا نه. چرا که اگر مدیران غیرموظف صرفاً در تصمیم گیریها مداخله نموده و از نقش نظارتی خود غافل شوند، عملاً اثربخشی آنها را بطور قابل توجهی کاهش خواهد یافت. عضویت همزمان اعضای غیرموظف در هیئت مدیره چند شرکت نیز ممکن است باعث کاهش اثر بخشی آنها می شود. در این تحقیق مدیرانی که در شرکت سمت اجرایی ندارند و به عنوان مدیر غیرموظف تعریف شدند و فرض شد که مستقل از

شرکت هستند، در حالیکه شاید ظاهراً مستقل از شرکت باشند، لیکن عملاً مستقل نبوده و به شرکت وابستگی هایی داشته باشند. مثلاً بسیاری از آنها به دلیل مدت زمان طولانی عضویت در هیئت مدیره، به آن شرکت وابستگی پیدا کرده باشند.

فرضیه سوم (تاثیر وجود مدیر عامل در سمت رئیس یا نایب رئیس هیئت مدیره بر

مدیریت سود): برای آزمون این فرضیه، شرکت‌های نمونه به ۲ گروه تقسیم شدند. گروه اول شرکت‌هایی که در آنها مدیر عامل به عنوان رئیس یا نایب رئیس هیئت مدیره شرکت حضور ندارد و گروه دوم شرکت‌هایی که مدیر عامل به عنوان رئیس یا نایب رئیس هیئت مدیره شرکت حضور دارد. سپس با استفاده از آزمون مقایسه دو میانگین (T-TEST) و درجه آزادی تعدیل شده (با توجه به نابرابری واریانس های دو گروه)، به بررسی رد یا پذیرش فرضیه اقدام شد. نتیجتاً بدلیل اینکه مقدار Sig بجز در سال ۱۳۹۰، در مابقی سالهای تحت بررسی بیشتر از ۰/۰۵ می باشد، فرض تاثیر گذاری وجود مدیر عامل شرکت به عنوان رئیس یا نایب رئیس هیئت مدیره بر مدیریت سود فقط در سال ۱۳۹۰ تایید و در مابقی سالها رد می شود. دلیل عدم تایید این فرضیه که همسو با نتیجه تحقیق حساس یگانه و یزدانیان می باشد، به شرح ذیل تفسیر می گردد:

در کشور ما هیئت مدیره به طور سنتی و نیز براساس قانون تجارت، وظایف اجرایی و استراتژیک (البته در عمل عمدتاً وظایف اجرایی) را عهده دار می باشد. در صورتیکه وظیفه هیئت مدیره باید تدوین استراتژی، حصول اطمینان از دستیابی به منابع مالی و نیروی انسانی، ارزیابی عملکرد مدیران و کنترل ریسک باشد. بنابراین وظیفه رئیس هیئت مدیره، حصول اطمینان از انجام وظایف فوق و ارتباط موثر با سهامداران بوده و مدیرعامل وظایف اجرایی را عهده دار خواهد بود. در صورتیکه متأسفانه در کشور ما این دو وظیفه (مدیرعامل و رئیس هیئت مدیره) به خوبی از یکدیگر تفکیک نشده است.

فرضیه چهارم (تاثیر وجود حسابرس داخلی بر مدیریت سود):

برای نتیجه گیری در خصوص این فرضیه نیز، شرکت‌های نمونه به ۲ گروه تقسیم شدند (گروه اول شرکت‌های دارای حسابرس داخلی و گروه دوم شرکت‌های فاقد حسابرس داخلی). سپس با استفاده از آزمون مقایسه دو میانگین (T-TEST) و درجه آزادی تعدیل شده (با توجه به نابرابری واریانس های دو گروه) به بررسی و تصمیم گیری در خصوص رد یا پذیرش فرضیه اقدام شد. نتیجتاً بدلیل اینکه مقدار Sig در تمامی سالهای تحت بررسی بیشتر از ۰/۰۵ می باشد، فرض تاثیر گذاری وجود حسابرس داخلی بر مدیریت سود در هیچ یک از سالها تایید نمی گردد. نتیجه این فرضیه (که همسو با نتیجه تحقیق حساس یگانه و یزدانیان می باشد) به شرح ذیل قابل تفسیر است:

حسابرسان داخلی می تواند به تقویت نظام حاکمیت شرکتی در شرکتها کمک شایانی نمایند. در بادی نظر شاید این ذهنیت به وجود آید که با گذشت زمان تعداد شرکت‌هایی که از حسابرسان داخلی استفاده می کنند نسبت به سال قبل افزایش یابد، در صورتیکه داده های جمع آوری شده از تعداد شرکت‌های دارای حسابرس داخلی در هر سال مهر تایید بر این ذهنیت زده و گاه مخالف آن بر میآید. از طرفی حتی در شرکت‌هایی که دارای حسابرس داخلی هستند نیز حسابرسان

داخلی نقش موثری ایفا نمی کنند. این امر بررسی رابطه بین وجود حسابرسان داخلی در شرکت با مدیریت سود را با مشکل مواجه می سازد.

یافته های این تحقیق در کل حاکی از عدم تاثیر گذاری حاکمیت شرکتی (البته در محدوده ۴ فرضیه مطرح شده در این پژوهش) می باشد. که این یافته را نمی توان ، نتیجه ای قطعی تلقی کرد. چون همانگونه که در ادبیات تحقیق اشاره شد، اولاً سازوکارهای حاکمیت شرکتی فراوان بوده و در این تحقیق تنها به ۴ فاکتور آن پرداخته شده، ثانیاً اجرایی نمودن سیستم حاکمیت شرکتی بدون وجود زمینه و بسترسازی (از جمله فرهنگ سازی و سیاسی برخورد نکردن با حاکمیت شرکتی) و فرهنگ سازی مناسب آن، تقریباً غیر ممکن است. که این خود می تواند مبنای بسیاری تحقیقات دیگر در این حوزه باشد.

نتایج ارزیابی فرضیات پژوهش به صورت خلاصه در نگاره شماره (۱۲) آورده شده است :

نگاره شماره (۱۲) : خلاصه نتایج آزمون فرضیات تحقیق				
نتیجه	نوع تحلیل	روش آماری	شرح فرضیه	
رد فرضیه	مقطعی	ضریب همبستگی اسپیرمن	نسبت سرمایه گذاران نهادی بر مدیریت سود تاثیر دارد.	اول
رد فرضیه	تجمعی			
رد فرضیه	مقطعی	ضریب همبستگی اسپیرمن	نسبت مدیران غیر موظف در ترکیب هیات مدیره بر مدیریت سود تاثیر دارد.	دوم
رد فرضیه	تجمعی			
تایید فقط در سال ۱۳۹۰	مقطعی	آزمون مقایسه دو میانگین	وجود مدیر عامل شرکت به عنوان رئیس یا نایب رئیس هیات مدیره بر مدیریت سود تاثیر دارد.	سوم
رد فرضیه	تجمعی			
رد فرضیه	مقطعی	آزمون مقایسه دو میانگین	وجود حسابرسی داخلی در شرکت بر مدیریت سود تاثیر دارد.	چهارم
رد فرضیه	تجمعی			

(۱۰) پیشنهادها :

(الف) پیشنهادهای مبتنی بر نتایج پژوهش :

مطابق فرضیه اول: با عنایت به مبانی نظری تحقیق و عنایت به اینکه اصول حاکمیت شرکتی هر کشوری حتماً می بایست بر مبنای چارچوبهای زیر بنایی آن کشور تهیه گردد ، فلذ بومی نمودن مفاهیم حاکمیت شرکتی با توجه به مسایل فرهنگی و اقتصادی کشورمان کار بسیار حیاتی به شمار می آید. که در این میان نقش مراجع حرفه ای از جمله سازمان بورس اوراق بهادار و سازمان حسابرسی بسیار مهم است. هر گونه الگو برداری از آیین نامه ها و قوانین مشابه خارجی در این خصوص، بدون در نظر گرفتن ساختار مدیریتی، فرهنگی، اقتصادی و سایر مسائل تاثیر گذار روی ابزارهای حاکمیت

شرکتی سازی نه تنها کمکی به اداره موثر امور نخواهد کرد، بلکه ممکن است شرکت ها را با مشکلات عدیده ای مواجه نماید .

تأیید نشدن تأثیرگذاری سهامداران نهادی بر مدیریت سود، مبین این مطلب است که اگر ساختارهای درونی هیئت مدیره و ابزارهای کنترلی دیگر(از جمله کنترل‌های داخلی، حساب‌رسان و بازرسان داخلی و...) در راستای اهداف خود عمل نمایند و در این حین سهامداران به فکر سود کوتاه مدت خود(ناشی از تفاوت قیمت خرید و فروش) باشند، عملاً ایشان برخلاف ادبیات علمی به عنوان ابزار دست مدیر جهت رسیدن به هدف خود عمل خواهند نمود. لذا سیاست گذاران در سیستم حاکمیت شرکتی درونی نیاز دارند که توجه ویژه ای به توسعه چار چوب ها حاکمیت شرکتی نموده و به طوریکه ضمن در نظر گرفتن نقش مهم سرمایه گذاری نهادی ، راهکارهای توسعه بازار را تعیین و تدوین نمایند.

مطابق فرضیه دوم : مشخصاً پیشنهاد می گردد با توجه به اهمیت نقش مدیران غیر موظف در

تقویت اثر بخشی عملکرد هیات مدیره، توجه بیشتری به این مهم شود و با ارائه راهکارهایی نقش مدیران غیر موظف در ترکیب هیات مدیره را تقویت گردد. مواردی چون عضویت طولانی مدت مدیران غیر موظف در ترکیب هیات مدیره ممکن است استقلال آن ها را خدشه دار کند و اثر بخشی آن ها را کاهش دهد. همچنین عضویت همزمان در هیئت مدیره چندین شرکت، عملکرد مطلوب مدیران غیرموظف را می تواند تحت الشعاع قرار دهد.

مطابق فرضیه سوم : پیشنهاد می شود وظایف و اختیارات مدیرعامل و رئیس هیئت مدیره به

خوبی از یکدیگر تفکیک گردد. سنتی عمل نمودن این ۲ سمت، قاعدتاً نتیجه ای جز آنچه در فرضیه این پژوهش ارائه شد نخواهد داشت. اصولاً هیئت مدیره باید تدوین استراتژی ، ارزیابی عملکرد مدیران و در کل به عنوان یک اهرم هدایتی، نظارتی و کنترلی عمل نماید و مدیرعامل امور اجرایی را عهده دار باشد، که در کشور ما عملاً چنین تفکیکی صورت نمی گیرد.

مطابق فرضیه چهارم : به سازمان حسابداری، بورس اوراق بهادار و دیگر نهادهای قانونگذاری و

نظارتی و انجمن های حسابداری و حسابداری، پیشنهاد می گردد با تدوین قوانین و مقررات الزام آور در خصوص حضور حساب‌رسان داخلی در شرکتها زمینه های بسط و گسترش حیطه فعالیت حساب‌رسان را بیش از پیش گسترده نمایند. همچنین شایسته است ، تدوین استانداردهای حسابداری و حسابداری و سایر قوانین مالی مربوطه با رویکرد محدود نمودن اختیارات غیر ضروری مدیران تنظیم شود تا سلامت اقتصادی و روانی جامعه مالی کشور بهتر تامین گردد.

(ب) پیشنهاد برای تحقیقات آتی :

با توجه به محدودیت های تحقیق و لحاظ اینکه موضوعات مورد بحث در زمینه حاکمیت شرکتی بسیار گسترده و فراگیر بوده و موضوعی بین رشته ای می باشد(که در این تحقیق به اجزاء

کوچکی از آن پرداخته شده)، فلذا برخی از موارد و حوزه هایی که به نظر محقق، برای تحقیقات آتی مناسب می باشد، به شرح ذیل قابل ارائه توسط پژوهشگران است:

- ۱- رابطه بین سایر مکانیزم های حاکمیت شرکتی بر میزان مدیریت سود (از جمله حسابرسان مستقل، کمیته حسابرسی، نظارت قانونی و....)
- ۲- بررسی تفاوت مدیریت سود در شرکتهای دولتی و خصوصی ایران
- ۳- تاثیر سایر ویژگیهای ساختار هیات مدیره بر میزان مدیریت سود (از جمله استقلال اعضا، ضریب جابجایی اعضای هیات مدیره، سطح دانش و صلاحیت اعضای هیات مدیره و...)
- ۴- بررسی کاستی های آئین نامه راهبردی شرکتی ایران.
- ۵- بررسی تاثیر اصول حاکمیت شرکتی بر کاهش میزان تقلب و افزایش کیفیت گزارشگری مالی.
- ۶- نقش سطح کیفی دانش سهامداران بر کاهش مدیریت سود.
- ۷- رابطه بین ساختار مالی شرکت ها و وضعیت حاکمیت شرکتی در آنها.
- ۸- تاثیر وجود سهامداران خصوصی و دولتی بر حاکمیت شرکتی در شرکتهای.

پی نوشت ها:

- 1- Aljifri, K
- 2- Tsaia, H. and Z. Gu
- 3- Fernandese
- 4- Eliezer
- 5- Chang
- 6- Lajili, K. & Ze'ghal

منابع :

- ۱- آقایی محمدعلی و چالاکي پری . " بررسی رابطه بین ویژگی های حاکمیت شرکتی و مدیریت سود در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران". (۱۳۸۷). <http://iranianaa.ir>.
- ۲- باباجانی جعفر و عبدی مجید. (۱۳۸۹) "رابطه حاکمیت شرکتی و سود مشمول مالیت شرکتهای" مجله پژوهش های حسابداری مالی. سال دوم، شماره سوم، پاییز - صص ۶۵-۸۶
- ۳- حساس یگانه، معز و دیگران، (۱۳۹۱) "بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی بر عملکرد مالی شرکت های پذیرفته شده در بازار اوراق بهادار تهران"، مجموعه مقالات دومین همایش ملی حسابداری ایران، دانشگاه الزهراء، خرداد، صفحات ۲۱-۳۷
- ۴- حساس یگانه، یزدانیان (تیر ۱۳۸۶)، "تأثیر حاکمیت شرکتی در کاهش مدیریت سود"، فصلنامه مطالعات حسابداری، شماره ۱۷، صفحه ۱۷۱-۱۵۱
- ۵- داداشی نسرين و نورحسینی نیاکی سیدحسین، (۱۳۹۰)، "تأثیر سازوکارهای نظام حاکمیت شرکتی بر هموارسازی سود" دهمین همایش ملی حسابداری ایران، دانشگاه الزهراء، جلد سوم، خرداد ۱۳۹۱
- ۶- رود پستی فریدون و دیگران. (۱۳۹۰)، "ارائه الگوی سنجش تأثیر مکانیزم های حاکمیت شرکتی بر مدیریت سود در بورس اوراق بهادار تهران". فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت. سال پنجم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۱ - صص ۷۹ تا ۱۰۰
- ۷- سبزی پور فرهاد، قیطاسی روح اله و رحمتی سلمان، (۱۳۹۰)، "بررسی رابطه بین سازوکارهای حاکمیت شرکتی و دقت پیش بینی سود"، مجله پژوهش های حسابداری مالی، سال چهارم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۰، صص ۱۴۰-۱۲۳
- ۸- مراد زاده و دیگران، (۱۳۹۰). " بررسی رابطه بین محافظه کاری حسابداری و نظام حاکمیت شرکتی". مجله حسابداری مدیریت. بهار ۱۳۹۰ - سال چهارم. شماره هشتم. صص ۸۹ تا ۱۰۲
- 9-Aljifri, K. (2007). "Measurement and Motivations of Earnings Management: A Critical Perspective." Journal of Accounting – Business & Management, Vol. 14, PP. 75-95.
- 10-Abdullah S, (2006) "Directors remuneration, firms performance and corporate governance in Malaysia among distressed companies" CORPORATE GOVERNANCE VOL. 6 NO. 2
- 11-Chang, C. (2009). "The Corporate Governance Characteristics of Financially Distressed Firms: Evidence from Taiwan", the Journal of American Academy of Business, Vol. 15, No. 1, 125-132.
- 12-Eliezer M. Fich & Steve L. Slezak (2008). "Can corporate governance save distressed firms from bankruptcy? An empirical analysis" Rev Quant Finan Acc (2008) 30:225-251 DOI 10.1007/s11156-007-0048-5.



- 13-Fernandese N, (2007) "**EC: Board compensation and firm performance: The role of independent" board members**" Journal of multinational financial anagement
- 14-Lajili, K. & Ze'ghal, D. (2010). "**Corporate Governance and bankruptcy filing decisiond**", Journal of General Management, Vol. 35 No. 4, 3-26.
- 15-SolomonJ. and SolomonA. (2004)., "**Corporate Governance andAccountability**", JohnWiley&sons, Ltd. England
- 16-Tsaia, H. and Z. Gu (2007). "**The Relationship Between Institutional Ownership and Casino Firm Performance.**" Hospitality Management. Vol. 26, pp. 517-530.